

دانشجو معلم

سمانه آزاد

موضوع تربیت معلم در ایران فراز و نشیب‌های زیادی را پشت‌سر گذاشته است. این مهم، از سال ۱۳۹۸ خورشیدی با تأسیس نخستین دارالمعلمین مرکزی به ریاست ابوالحسن فروغی به طور رسمی آغاز شد. پس از آن مراکز تربیت معلم تا چندی پیش این وظیفه را برعهده داشتند. امروز هم با تأسیس دانشگاه فرهنگیان از سال ۱۳۹۱ شاهد پرورش معلمان در این دانشگاه هستیم. در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ نخستین ورودی‌های دانشگاه فرهنگیان به عنوان معلم کار رسمی خود را آغاز کردند. پردیس نسبی یکی از مراکزی است که دانشجو معلمان در آن به تحصیل مشغولند. در بازدیدمان از این مرکز با چند تن از دانشجویهای رشته علوم تربیتی این مرکز گفت‌وگو کردیم. گفت‌وگویی درباره اینکه ارزیابی‌شان از وضعیت علمی و آموزشی دانشگاه چیست و دانشگاه تا چه حد توانسته آن‌ها را برای ورود به مدرسه و کلاس آماده کند؟

کرده باشیم ولی وقتی با موقعیت‌های موردنظر مواجه شویم تازه احساس می‌کنیم آن اطلاعات را لازم داشتیم. کارورزی باعث می‌شود این اطلاعات را مرور کنیم.

فاطمه آفاجانی: حدود ۴۰ درصد. گرچه در دانشگاه به‌طور کامل به آمادگی نمی‌رسیم اما در کلاس هم همین‌طور است. ما باید با علم روز پیش برویم تا رکود نکنیم. شاید با این آمادگی بتوانیم با بچه‌ها ارتباط برقرار کنیم اما درباره کیفیت تدریس و تأثیرگذاری خیلی مطمئن نیستیم.

سمیرا محرابی: شاید ۴۰ تا ۴۵

باید تجربه کار در کلاس را داشته باشیم. ما با روش‌های تدریس آشنا می‌شویم و در کلاس اجرا می‌کنیم اما در کلاس درس دانش‌آموزان ویژگی‌هایی دارند و سؤالاتی می‌پرسند که ما آشنایی نداریم. **مهسا مصطفوی:** فکر می‌کنم حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد. ما فقط دو درس از درس‌هایی را که باید آموزش دهیم در دانشگاه گذرانده‌ایم که علوم و قرآن هستند. شاید این دو درس راحت‌تر از بقیه باشند. مثلاً درس ریاضی از همین الان برای همه معلمان یک معضل است. ما یک سلسله درس‌های روان‌شناسی کودک خوانده‌ایم که شاید فراموششان

◀ با توجه به اینکه دو سال از تحصیل شما می‌گذرد فکر می‌کنید تا چه میزان برای معلمی آماده شده‌اید؟

افسانه نجفی: شاید ۳۰ درصد. مثلاً در روان‌شناسی رشد با روش‌های تشویق و تنبیه آشنا شده‌ایم اما هنوز آن‌ها را اجرا نکرده‌ایم. شاید با همین میزان آمادگی بتوان در کلاس حاضر شد اما نمی‌توانم قول دهم بی‌نقص باشم.

آزاده غلامیان: شاید ۵۰ درصد. با این میزان شاید بتوانم به کلاس درس بروم و روش‌های تدریس که آموختم را ارائه کنم. اما به نظرم در دانشگاه نمی‌توانیم به آمادگی صددرصد برسیم و



مقدم: معلمی
که با این
تکنولوژی‌ها
آشنایی
ندارد چگونه
می‌تواند با
دانش‌آموزی
که قبل از
دبستان با
تکنولوژی
آشنا شده
کنار بیاید؟

محدثه لشینینی: دانشگاهی که معلم تربیت می‌کند باید همایش‌های زیادی مثل آموزش فن بیان برگزار کند که برای معلم لازم است. اما دانشگاه در این زمینه چیز زیادی به ما یاد ندهد و ما خودمان دنبال این موضوعات بودیم. گاهی هم که دانشجویان اقدام به کاری می‌کنند دانشگاه جلوی برنامه را می‌گیرد.

فاطمه آقاجانی: ما الان بیشتر به روابط بین معلمان و دانش‌آموزان می‌پردازیم در حالی که چیزی که خیلی مهم است رابطه معلم و والدین است. من در واحدهای درسی چیزی ندیدم که در این رابطه باشد.

◀ **ارزیابی تان از مدرسه دانشگاه چگونه است؟**

محدثه لشینینی: هم استادان خوب و هم استادان ضعیف داشته‌ایم. استادی داشتیم که آنقدر خوب تدریس می‌کرد که برای امتحان پایان ترم آمادگی کامل داشتیم. استادی هم داشتیم که مطالبی که در کلاس می‌گفت مرتبط با محتوای کتاب نبود یا اگر در طول ترم هم آن درس را می‌خواندیم باز با نمره کم قبول می‌شدیم. یکی از اساتید هم در کلاس کار زیادی از ما می‌خواستند که بعدها متوجه شدیم این کارها چه فایده‌ای داشته است. در کل تعداد استادانی که ضعیف هستند خیلی بیشتر است.

مهديه مقدم: درس‌هایی مثل برنامه‌ریزی یا روش‌های تدریس درس‌هایی هستند که به استادان ماهر نیاز دارند. روش تدریس را چند استاد در دانشگاه ارائه دادند. برای برخی از دانش‌جویان این درس خیلی مفید بود ولی برخی چیز خاصی یاد نگرفتند.

سمیرا محرابی: تعداد استادان ضعیف بیشتر است. مثلاً استادی داریم که از لحاظ اخلاقی خیلی خوب است اما از لحاظ علمی نه و برعکس. در درس برنامه‌ریزی یکی از اساتید چهار فصل را تدریس نکرد ولی نهایتاً به دلیل امتحان

سعی می‌کنند ما را با رویکردهای دیگر آشنا کنند و روش‌هایی را آموزش دهند که برای همه رویکردها پاسخگو باشد. اما چون اکثر مدارس براساس رویکرد رفتارگرایی هستند، باید آموزش‌های ما قوی‌تر و مستحکم‌تر باشد تا معلم بتواند ساختارشکنی کند. این گونه نیست که محیط آماده باشد و ما وارد یک مدرسه مونتسوری شویم و تدریس کنیم. ما باید آماده باشیم تا ساختارشکنی کنیم یا بپذیریم که با محیط کنار بیاییم.

سمیرا محرابی: ما فقط درس علوم را خوانده‌ایم. در ترم سوم یاد گرفتیم که کتاب را چگونه تدریس کنیم اما از لحاظ علمی نیاموختیم. مثلاً ماشین‌های ساده یا انواع سنگ را خودمان نشناختیم. وقتی من این‌ها را نیاموختم چگونه می‌توانم به دانش‌آموز آموزش دهم؟

◀ **چه ضعف دیگری در دانشگاه می‌بینید؟**

مهديه مقدم: موضوعی که دانشگاه در آن ضعف دارد، عدم در نظر گرفتن تکنولوژی است که نسل جوان با آن سر و کار دارد. در درس رسانه‌های آموزشی کار با پاورپوینت را به ما یاد دادند که موضوع خیلی سطح پایین و ساده‌ای بود. در حالی که ممکن است ما وارد مدرسه‌ای شویم که دانش‌آموزان می‌توانند انیمیشن و صفحات وب بسازند. معلمی که با این تکنولوژی‌ها آشنایی ندارد چطور می‌تواند با دانش‌آموزانی که حتی قبل از دبستان با تکنولوژی آشنا شده‌اند کنار بیاید؟ ما سه درس در حوزه تکنولوژی داریم اما این مسائل را برای دانشجو معلم مطرح نمی‌کند. چون علاوه بر اینکه باید کنترل کلاس را یاد بگیریم با معضل بزرگی روبه‌رو هستیم. آن هم این است که تکنولوژی بچه‌ها را در برگرفته است. معضل است چون ضررهایش بیشتر از مزیت‌هاست. اما چون تولیدکننده تکنولوژی نیستیم باعث می‌شود بچه‌ها از لحاظ فرهنگی در خطر باشند.

درصد آمادگی داشته باشیم. آن هم به خاطر حضورم در کلاس در مدرسه بود که تجربه متفاوتی بود. چرا که فهمیدم هنر معلمی و تدریس چقدر مهم است. من با دید و نگرش منفی وارد مدرسه شدم چون به نظرم دانش‌آموزان غیرقابل کنترل بودند اما این گونه نبود. مدارس امروز ما مثل مدارس ۲۰ سال پیش هستند اما بچه‌های امروز تغییر کرده‌اند. من نیاز دارم با بچه‌ها در ارتباط باشم. ما ترم گذشته درس مشاوره داشتیم اما مطالبی تدریس شد که گویی ما می‌خواهیم مشاور باشیم در حالی که ما به مهارت‌هایی نیاز داریم که در کلاس به کار ما بیاید. مثلاً اگر دانش‌آموزی یکی از والدینش را از دست داد باید چگونه با او برخورد کنیم؟

محدثه لشینینی: ۳۰ تا ۴۰ درصد آماده معلمی هستیم. از ابتدا که وارد دانشگاه شدم تا به حال خیلی تغییر کرده‌ام و علاقه‌ام بیشتر شده است. حتی موضوعاتی که در دانشگاه آموخته‌ام باعث شده مسئولیت‌پذیری بیشتری داشته باشم. شاید به این دلیل که می‌دانم در آینده مسئولیت تعدادی از دانش‌آموزان به عهده من است.

مهديه مقدم: احساس می‌کنم شاید ۱۰ درصد آمادگی داشته باشیم. اما به نظرم الان اهمیت معلم و آموزش آن‌ها بیشتر و تخصصی‌تر شده است. همین که دو سال تربیت معلم به چهار سال تبدیل شده و در زیر شاخه وزارت علوم قرار گرفته است نشانه مهم شدن یک مسئله است. من دو سال است دانشجو هستم و گمان می‌کنم چیزی یاد نگرفته‌ام.

◀ **از لحاظ علمی و آموزشی دانشگاه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

مهديه مقدم: به نظرم رویکرد رفتارگرایی که در دانشگاه می‌آموزیم رویکرد مناسبی برای کار در مدرسه و اهدافی که من برای معلم شدن دارم نیست. فکر می‌کنم رویکردهای شناختی خیلی بهتر هستند. البته برخی از اساتید

لشینی
موضوعاتی که
در دانشگاه
فرهنگیان
آموخته‌ام،
باعث شده
مسئولیت
پذیری
بیشتری
داشته باشم

همانگ طی دو سه هفته این چهار فصل را تدریس کرد و ما چیزی از آن یاد نگرفتیم.

افسانه نجفی: برخی از اساتید هدف درسی را که می‌خوانیم خوب متوجه نشده‌اند که بتوانند آن را به دانشجویان منتقل کنند. مثلاً در درس برنامه‌ریزی ما روش تدریس را یاد می‌گرفتیم اما در درس روش تدریس موضوعات دیگری تدریس می‌شد! برخی از اساتید هنوز نتوانسته‌اند منبع خوبی از آن درس را به ما معرفی کنند.

مهسا مصطفوی: در روان‌شناسی رشد، استاد فرصت کرد از لقاچ تا ۶ سالگی را تدریس کند. در حالی که ما قرار است معلم ابتدایی بشویم و مهم آن است که از ۶ تا ۱۲ سالگی آشنا باشیم. فکر می‌کنم برخی از اساتید هدف‌های دروس را نمی‌دانند.

فاطمه آقاجانی: برخی از اساتید مثلاً اگر روان‌شناسی رشد را در دانشکده روان‌شناسی تدریس کنند خیلی موفق‌ترند. در واقع دغدغه‌هایی که ما داریم آن‌ها ندارند. از سوی دیگر من با روش ارزشیابی دانشگاه

مشکل دارم. ما قرار است آزمون جامع را امتحان دهیم که ۲۵ درصد آن مربوط به معلمان ماست. ما استادان مختلف با تیپ سؤالات امتحانی مختلف داریم بنابراین عادلانه نیست که ۲۵ درصد این‌گونه تقسیم شود. باید ارزشیابی‌ها در دانشگاه یکسان باشد یا اساتید یکسان باشند.

افسانه نجفی: واقعاً آزمون جامع برای شناخت معلم خوب کافی است؟ به نظر من کافی نیست. اینکه فردی بتواند چند واحد روان‌شناسی را بگذراند معلم خوبی می‌شود؟ باید بتواند از آموخته‌هایش استفاده کند.

فاطمه آقاجانی: ورودی‌های سال‌های ۹۱ و ۹۲ آزمون جامع ندارند. ما در این چهار سال فقط درس می‌خوانیم و دغدغه دیگری نداریم. بنابراین احتمالاً ۹۰ درصد ما در این آزمون قبول می‌شویم ولی وقتی وارد مدرسه شدیم باید هر چند سال یک بار آزمونی از ما گرفته شود که صلاحیت و پیشرفت ما را تعیین کند. این اشتباه است که بعد از اتمام تحصیل از ما آزمون می‌گیرند و در عوض ما را تا بازنشستگی رها می‌کنند. بهتر است ارزشیابی شکل دیگری داشته باشد. مثلاً به جای امتحان دادن در تابستان چند دانش‌آموز در اختیارمان بگذارند و ارزیابی کنند که ما چگونه می‌توانیم با آن‌ها ارتباط برقرار کنیم و آنچه آموخته‌ایم انتقال دهیم. این آزمون تعیین نمی‌کند که معلم خوبی هستیم یا نه. به نظر من معیارهای آزمون معیارهای خوبی نیستند.

مهسا مصطفوی: اگر قرار است ۲۵ درصد نمره

آزمون جامع بر اساس معدل ما باشد باید آزمون‌های دانشگاه را استاندارد کنند. مثلاً روش تدریس که یک مهارت محسوب می‌شود را برخی استادان تئوری و برخی عملی تدریس می‌کنند. ولی دانشجویی که این درس را به طور عملی گذرانده آن را یاد می‌گیرد.

◀ شما قرار است وارد مدرسه شوید و احیاناً با معلمان با سابقه اما بی‌انگیزه همکار شوید. برای حفظ انگیزه خود چه راهکاری دارید؟

محدثة لشینی: همین که نتیجه کارمان را ببینیم فکر می‌کنم کافی باشد. وقتی سطح دانش‌آموزانمان بالا باشد خودش انگیزه‌بخش است. وقتی کسی با انتخاب و انگیزه وارد شغل معلمی شود با انگیزه باقی می‌ماند.

افسانه نجفی: برخی از دانشجویان دغدغه مالی دارند و چون تأمین نمی‌شود بی‌انگیزه می‌شوند.

مهسا مصطفوی: وقتی ترم یک بودیم با دانشجویان ترم‌های بالاتر روبه‌رو می‌شدیم که پیشنهاد می‌دادند انصراف دهیم. آن‌ها از بی‌ثباتی‌ها ناراضی بودند. از اینکه مثلاً تصمیم گرفته شده آزمون جامع برگزار شود. یا دانشجویان مشاوره که اعلام شده بود قرار است معاون پرورشی باشند.

مهديه مقدم: ما چیزهایی را در دانشگاه می‌خوانیم و وقتی به کارورزی می‌رویم با دنیای دیگری روبه‌رو می‌شویم. در دانشگاه روشی را که فکر می‌کنیم درست‌تر است اجرا می‌کنیم



غلامیان:
در دانشگاه
نمی‌توانیم
به آمادگی
صدرصد
برسیم و باید
تجربه کار در
کلاس را داشته
باشیم

محدثه لشیینی: به نظر من معلمان به ویژه در دوره ابتدایی سرنوشت‌ساز هستند. ممکن است فردی موقعیت اجتماعی و خانوادگی خوبی نداشته باشد اما معلم مسیری را به او نشان می‌دهد که او را به موفقیت می‌رساند.

افسانه نجفی: همه آنچه دوستان گفتند درست است. به علاوه اینکه معلمی به ویژه در دوره ابتدایی شغل هیجان‌انگیزی است.

چون هر روز هم چیز جدیدی یاد می‌دهی و هم یاد می‌گیری.

در جامعه خیلی‌ها راجع به معلمی این‌طور فکر می‌کنند اما چه کسی باعث این طرز تفکر شده است؟ خود معلمان دید خوبی به جامعه نداده‌اند و خوب معرفی نکرده‌اند. اگر سختی‌های کار را نشان دهیم و شغلمان را سطح بالا معرفی می‌کردیم، دیگر به خود اجازه نمی‌دادند این‌طور راجع به معلمی قضاوت کنند. دید من به معلمی این‌گونه است: وزیر و وکیل و افراد بلندپایه از زیردست معلم بیرون می‌آیند. معلم آنقدر مهم است که چنین افرادی را تربیت می‌کند. زمانی که انتخاب رشته می‌کردم برخی من را به خاطر رتبه‌ام تشویق کردند که مهندسی بخوانم چون پرستیژ بالاتری دارد ولی من از انتخابم راضی هستم و رضایت قلبی دارم.

مهديه مقدم: من فکر می‌کنم معلمان تعیین‌کننده سرنوشت کشور هستند. من نه یکی از مهم‌ترین بلکه مهم‌ترین شغل را دارم و قدرتمندترین فرد در جامعه خواهم بود. شاید قدرت معلمی با پول نباشد اما وقتی چند سال بعد به جامعه نگاه کنیم می‌بینیم یک حرکت و انقلاب از حرف معلم سرچشمه می‌گیرد.

سمیرا محرابی: من همیشه با افتخار می‌گویم دانشجو معلمم که بسیاری با این رشته آشنایی ندارند اما من از انتخابم خوشحالم.

ولی در مدرسه با موانع زیادی روبه‌رو هستیم که با پایین‌ترین حد ایده‌آل هم نمی‌توانیم پیاده کنیم. وقتی نتوانیم کاری را که برایش برنامه‌ریزی کرده‌ایم انجام دهیم بی‌انگیزه می‌شویم.

افسانه نجفی: مسئولان ما را جدی نمی‌گیرند. وقتی با آن‌ها صحبت می‌کنیم انگار ما را نمی‌بینند. این رفتارها باعث می‌شود انگیزه‌ها کم شود.

◀ **با توجه به فضایی که در جامعه نسبت به معلمی هست، شغل‌تان را چگونه معرفی می‌کنید؟**

افسانه نجفی: شغل مهمی که آن‌طور که باید دیده نشده است.

آزاده غلامیان: من معلم دوره ابتدایی هستم و از شغلم راضی هستم. محیط مدرسه به خصوص در دوره ابتدایی را دوست دارم و احساس می‌کنم بچه‌های دوره ابتدایی را درک می‌کنم. فکر نمی‌کنم از شغلم پشیمان شوم.

مهسا مصطفوی: وقتی به دیگران می‌گویم قرار است معلم شوم همه به سه ماه تعطیلی تابستان اشاره می‌کنند. فکر می‌کنم باید به همه نشان دهیم که معلمی خیلی هم آسان نیست و مسئولیت بزرگی است به طوری که معلم باید برای هر روز خود مطالعه و برنامه داشته باشد.

فاطمه آفاجانی: درست است که